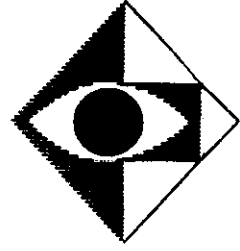
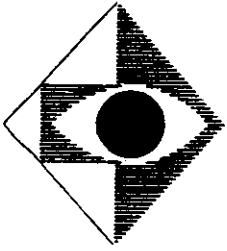


پاسخگویی به



نقد و بررسی کتاب و مقاله

نوشته: دکتر پریدخت فشارکی

مقدمه:

در صفحات ۳۹-۳۸ مجله رشد آموزش جغرافیا - شماره ۱۱ آقای دکتر حسین شگویی راجع به مقاله تعاریف و مفاهیم چشم انداز جغرافیائی که در شماره نهم همان مجله به چاپ رسیده است اظهاراتی بیان داشته‌اند که اینجانب به عنوان نگارنده مقاله مورد بحث و به لحاظ احساس مسئولیتی که در مورد تبیین صحیح و دقیق مفاهیم جغرافیائی دارد، خود را ملزم به پاسخگویی می‌بینم. بنابراین ضمن تشکر از آقای دکتر شگویی به خاطر بحث زنده‌ای که آغازگر آن هستند توجه مشارالیه و خوانندگان عزیز را به سطور ذیل "از نظرشان خواهد گذشت جلب می‌کنم."

پاسخگویی کلی

چنان وسع است که می‌توان آن را طی یک درس دو یا سه واحدی برای سراسر ترم تدریس کرد. اهم دلایلی که موجب شد نگارنده کتاب طبیعت جغرافیا - اثر هارت شورن را به عنوان عمده‌ترین منبع مورد استفاده خود انتخاب و معرفی نماید بدین قرارند (اگرچه طی سطور زیر ملاحظه خواهند فرمود که نگارنده به دهها منبع دیگر نیز مراجعه نموده ولی نامی از آنها در فهرست منابع نیاورده‌است):
۱- یک تالیف با ارزش یا مقبولیت جهانی است که در آن نه فقط تعاریف و نظرات بسیاری از جغرافیدانان متقدم و کلاسیک دنیا راجع به چشم انداز جغرافیائی مطرح می‌شود که مورد بحث و بررسی نیز قرار می‌گیرد؛

۲- هارت شورن پس از ارزیابی تعاریف و مفاهیم مختلف به راه‌حلی دست می‌یابد که آن تعریف جامع و مانعی است از چشم انداز (ص. ۱۸-۱۵ از مقاله مورد بحث)؛

۳- هارت شورن قلمرو مطالعه چشم انداز و ناحیه جغرافیائی را از یکدیگر متمایز می‌سازد و به نزاع همیشگی راجع به مترادف دانستن آنها خاتمه می‌دهد؛

۴- تعاریف و مفاهیم چشم انداز از دیدگاه هارت شورن جا افتاده و مورد قبول جهانی بوده و با تعاریف و مفاهیم مندرج در معتبرترین

در اولین صفحه مقاله مورد بحث (ص. ۱۲ از مجله رشد - شماره نهم) اشاره شده که مقاله ترجمه است و در پایان مقاله منبع و ماه‌گذ عمده مقاله مشخص گردیده است (ص. ۱۸). بنابراین نگارنده جای هیچگونه تردید و ابهام برای خوانندگان عزیز باقی نگذاشته و با صداقت کامل به آنها وعده بررسی تعاریف و مفاهیم چشم انداز جغرافیائی را تنها از دیدگاههای مطرح شده در کتاب طبیعت جغرافیا - اثر هارت شورن داده است. ضمناً در پایان صفحه اخیرالذکر ملاحظه می‌شود که این مقاله از سری سخنرانیهای جغرافیائی است که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ایراد شده است. طولانی‌ترین سخنرانیهای علمی یکساعت الی یک ساعت ونیم می‌باشد و متعاقب آن سئوالات مستمعین محترم مطرح می‌شود. مگر سخنران طی حداکثر ۹۰ دقیقه چه مقدار مطلب را می‌تواند زیر پوشش قرار دهد؟ آیا می‌تواند هر نظر یا نظریه‌ای را در یک سخنرانی و حتی در یک مقاله مطرح کند و با بایستی انتخاب اصلح را انجام داده و منتخبی از مهمترین آثار و نظرات را که از مقبولیت جهانی برخوردارند مورد بحث و بررسی قرار دهد. نگارنده به شق دوم عمل کرده منبع خود را آگاهانه انتخاب کرده است. نهایتی فراموش کرد که بحث چشم اندازهای جغرافیائی آن

فرهنگها و دایرة المعارفهای دنیا مطابقت دارد؛ در حالیکه پاره‌ای از نظریات مدرن و غیرکلاسیک اگرچه بسیار جالب و قابل تعمق اما هنوز مورد مناقشه بوده و از مقبولیت جهانی بی‌بهره‌اند.

پاسخگویی تفضیلی

آقای دکتر شکوفی در اواخر ص. ۲۹ (از مجله رشد - شماره ۱۱) تعریفی ارائه داده و آن را علمی‌ترین و منطقی‌ترین تعریف از مفهوم چشم‌انداز جغرافیائی می‌دانند. ابتدا لازم می‌دانم از ایشان سؤال کنم که این تعریف از کیست و از کدام منبع و ماخذ گرفته شده؟ با توجه به اینکه منبعی برای این تعریف ذکر نکرده‌اند شاید خود ایشان واضع آن باشند. اما اعم از اینکه جواب سؤال چه باشد در تعریف پیشنهادی نارسائی‌هایی ملاحظه می‌شود که اهم آنها عبارتند از:

۱- آنچه که به عنوان "تعریف" ارائه شده از نظر اینجانب بیشتر بیانگر خصلت چشم‌انداز و یا وجه مشخصه آن است تا تعریف جامع و مانعی از آن. این خصلت یا وجه مشخصه در ذات چشم‌انداز مستتر است ولی تعریف آن نمی‌تواند باشد. باز اگر بخواهیم مطلب را به شکل دیگر عنوان کنیم تعریف پیشنهادی بیشتر به یک استنتاج کلی یا سرجمع از آنچه در چشم‌انداز مورد مشاهده، ما قرار می‌گیرد می‌ماند تا به یک تعریف جامع و مانع از آن، همچنانکه در آخرین پاراگراف از ص. ۱۷ مقاله، تعاریف و مفاهیم چشم‌انداز جغرافیائی آمده و تا به صفحه ۱۸ ادامه یافته: "در نواحی مسکونی دنیا مفهوم چشم‌انداز طبیعی کاملاً" فرضی است؛ در دنیای متعین حداقل، چشم‌انداز طبیعی توسط هیچ انسان زنده‌ای دیده نشده است. بنابراین امری طبیعی است که چشم‌انداز نتیجه عملکرد متقابل عناصر طبیعی و انسانی باشد. در اینجا به اقتضای مطلب تعریف پیروژرژ جغرافیدان فرانسوی رادر یکی از آثارش که از معتبرترین فرهنگهای جغرافیائی دنیا است: "فرهنگ جغرافیا" به عنوان شاهد می‌آوریم. او در تعریف چشم‌انداز به این عبارت اکتفا می‌کند: "قسمتی از فضا که به طور بصری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد". اما در توصیف چشم‌انداز می‌گوید که "آن نتیجه‌ای است از ترکیب دینامیک عناصر فیزیکی - شیمیکی، بیولوژیکی و انسانی که، با عملکرد متقابل یک دسته از عناصر روی دیگری، مجموعه واحد و قابل تفکیکی را در تکامل دائمی می‌سازد".

۲- این بازتابی که آقای دکتر شکوفی از آن سخن رانده‌اند خاص چشم‌انداز جغرافیائی نبوده در ناحیه جغرافیائی نیز مصداق دارد و بنابراین خصلت مشترکی از چشم‌انداز و ناحیه جغرافیائی بیان شده بدون اینکه هیچیک تعریف شده باشند. از طرف دیگر این

"تعریف" حد و مرز چشم‌انداز و ناحیه جغرافیائی را از یکدیگر مجزا نساخته است.

۳- از عمده‌ترین نکاتی که تعریف پیشنهادی فاقد است مفهوم "جنبه‌های قابل رویت" به عنوان تنها جنبه‌هایی است که در چشم‌انداز مطرح است. جنبه‌های غیرقابل رویت در چشم‌انداز مطرح نیستند ولی در ناحیه جغرافیائی مطرح می‌باشند (در حقیقت در ناحیه جغرافیائی هم جنبه‌های قابل رویت و هم غیرقابل رویت شامل می‌شوند). یک نظر اجمالی به عمده‌ترین فرهنگها و دایرة المعارفهای عمومی، فنی و تخصصی (جغرافیائی) این نکته را به اثبات می‌رساند. بنابراین بی‌دلیل نیست که نگارنده در مقاله خود روی اشیاء قابل مشاهده تأکید کرده است. از پاره‌ای از عمده‌ترین این منابع در بند ۴ نامبرده شده است و بدینوسیله از خوانندگان محترم این مجله به ویژه فرهنگیان و دانشگاهیان محترم تقاضا می‌شود نظری به این منابع بیان‌اندازند تا به صدق گفتار نگارنده که اوقات مدیدی را در مطالعه این منابع و در اندیشه در اطراف مفاهیم مندرج در آنها گذرانده است پی ببرند. اگرچه نگارنده در مقاله خود تنها یک منبع عمده را مشخص ساخته ولی این بیشتر به آن سبب است که تعاریف مندرج در منابع ذیل با تعریف چشم‌انداز از نظریات شون به میزان بیش از ۹۰٪ مطابقت دارد و اگر علت دیگری مطرح باشد آن درویش مسلکی نگارنده است.

۴- تعریف پیشنهادی آقای دکتر شکوفی با تعاریف مندرج در فرهنگها و دایرة المعارفهای عمومی و تخصصی مطابقت ندارد. پاره‌ای از این منابع بدینقرارند:

- 1- *Dictionary of Scientific and Technical Terms, Mc Graw, Hill.*
- 2- *Encyclopedia International, Incorporated New York.*
- 3- *Pierre George, Dictionnaire de la Geographie, PUF.*
- 4- *Larousse Illustrated International Encyclopedia and Dictionary, Mc Graw Hill International Book Company.*
- 5- *Paul Robert, Le Petit Robert, SNL.*
- 6- *The Oxford English Dictionary, Vol. VI.*
- 7- *Webster, s Third New International Dictionary, G. & C. American Company.*

ذیلاً "برای خودداری از تطویل کلام تنها به ذکر دو تعریف موجز و رسا از چشم‌انداز: یکی به نقل از فرهنگ آکسفورد و دیگری به نقل از فرهنگ ویستری می‌پردازیم. بنابراین فرهنگ آکسفورد چشم‌انداز عبارت است از "منظری از منظره طبیعی نواحی داخل خشکی همچنانکه در

یک نگاه و از یک نقطه نظر دریافت می‌شود. این فرهنگ تعاریف دیگری نیز از چشم‌انداز می‌دهد که اصولاً "معنای منطقی از کلیه اشیاء قابل‌رویت را می‌رسانند. بنابراین فرهنگ و بستر چشم‌انداز عبارت است از: " قسمتی از زمین یا ناحیه‌ای که چشم می‌تواند در یک نگاه دریا بد و آن تمام اشیاء قابل‌رویت را دربر می‌گیرد ".
حال به پاسخگویی به شق‌های چهارگانه مندرج در صفحات ۳۹ - ۲۸ مجله رشد - شماره ۱۱ می‌پردازیم .

۳- مفهوم چشم‌انداز و بررسی‌های تاریخی: تحت این عنوان (ص. ۳۹) موارد الف، ب، ج و د مطرح شده‌اند. مسلم است که در برخورد ریشه‌ای با مفهوم چشم‌انداز و آن هم در سمناری که به توسعه چشم‌اندازهای ارضی در شمال غرب اروپا مربوط می‌شده توجه به موارد چهارگانه مذکور در فوق ضروری بوده است. طبیعی است که آنچه را که ما امروز به عنوان چشم‌انداز می‌بینیم حاصل و معدلی است از عملکرد پدیده‌ها و وقایع گذشته و حال و تردیدی نیست که برای شناخت عمیق چشم‌اندازهای جغرافیائی نیابستی از بررسی‌های تاریخی غافل بود. ولی ما را در مقاله مورد بحث با شناخت ریشه‌ای چشم‌اندازها کاری نبوده است و تنها به تعاریف و مفاهیم آن بسنده کرده‌ایم و هنوز نیز اندر خم جا انداختن آنها می‌باشیم. باشد که انشاء... در آینده نزدیک مباحثی چون چگونگی شناخت چشم‌اندازهای جغرافیائی توسط جغرافیدانان عزیز ما عنوان شوند.

۱- کاربرد کلمه چشم‌انداز: تحت این عنوان در سطر ۱۶ از نیمه دوم صفحه ۳۸ این جمله به چشم می‌خورد: برابر این نظریه (متأسفانه درست مشخص نشده که این نظریه از کارل ساور یا شخص دیگر است). " یک چشم‌انداز، حوزه‌ای است که از پیوند قالبهای طبیعی و فرهنگی بوجود می‌آید ". خوشبختانه در اینجا از لفظ نظریه استفاده شده و نه تعریف و به عنوان یک نظریه جالب و قابل قبول و بدون ایراد به نظر می‌رسد. ولی چشم‌انداز تعریف نشده است. در اینجا بایستی به این نکته ظریف توجه داشت که نظریه و تعریف با یکدیگر کاملاً " فرق دارند. از سطر ۲۲ الی ۲۹ از نیمه دوم همان صفحه ۳۸ پاراگرافی است راجع به مفهوم چشم‌انداز. در حقیقت جای یک نکته اساسی در خلال سطور مذکور خالی است و آن اینکه تنها جنبه‌های قابل‌رویت موارد نامبرده چون نظام سکونتگاهی، خطوط ارتباطی، الگوی مزارع... و غیره در چشم‌انداز مطرح هستند و نه کل آنها و شاهد ما در این زمینه کلیه منابعی است که از آنها نامبرده شد و بسیاری از آثار دیگر که بحث درباره آنها در این مختصر نمی‌گنجد. در پایان پاراگراف مذکور در فوق می‌رسیم به این جمله: " خلاصه کلام اینکه، هر چشم‌انداز جغرافیائی، الگو و ویژگیهای فرهنگ جامعه را تبیین می‌کند " - صحیح است تبیین می‌کند ولی گفته نمی‌شود که اصولاً خود چشم‌انداز چیست و حد و مرز آن کدام است ولی گفته می‌شود که چنین می‌کند و چنان می‌کند و بنابراین بایستی تکرار نمود که این تعریف چشم‌انداز نیست بلکه خصلت آن است.

۴- انواع چشم‌انداز: موجب امتنان است که آقای دکتر شکوئی به شرح انواع چشم‌انداز از دیدگاه جغرافیدانان آلمانی پرداخته‌اند. ولی ناگفته نماند که انواع نامبرده تناقضی با انواع چشم‌انداز در اثر هارت شورن ندارند، زیرا که آنها یا از نوع چشم‌انداز طبیعی و یا انسانی می‌باشند و در کتاب طبیعت جغرافیا نیز دو طبقه‌بندی عمده چشم‌انداز طبیعی و چشم‌انداز انسانی آمده است، سوای این که انواع فرعی دیگری نیز چون چشم‌انداز ابتدائی، چشم‌اندازهای وحشی، چشم‌اندازهای مزروع و غیره مورد بحث قرار گرفته‌اند. تحت عنوان چند یادآوری، آقای دکتر شکوئی معادل‌های بهتری برای دو سه اصطلاح انگلیسی ارائه داده‌اند که نگارنده ضمن تشکر از ایشان تنها یکی از این معادل‌ها را مطلوب نمی‌داند و آن (وسواسیان چشم‌انداز) به جای (لفظ قلم‌نویسان چشم‌انداز) است و معادل اخیر الذکر را ترجیح می‌دهد. ضمناً " (برخورد بنیادی) را معادل صحیح‌تری برای *The Fundamental Approach* می‌داند تا (تحلیل بنیادی).

۲- نقشه و مطالعه چشم‌اندازها: این دیگر توضیح واضح است که از اشکال و پدیده‌های سطح زمین نقشه تهیه می‌شود، عکس‌هایی هوایی فراهم می‌گردند و باز از عکس‌های هوایی نقشه تهیه می‌کنند و در مطالعه چشم‌اندازها از نقشه به عنوان اساسی‌ترین ابزار جغرافیائی استفاده می‌کنند. بدین لحاظ نگارنده الزامی به ذکر این واضحات نمی‌بیند و تصور نمی‌کند که اگر به امرواضحی اشاره نکند آنرا فراموش کرده است. وانگهی بحث ما تعاریف و مفاهیم چشم‌انداز است و نه مطالعه چشم‌اندازها. اما نوعی واقعیت خارجی که در مقاله اینجانب به آن اشاره شده یعنی واقعیتی که ساخته و پرداخته ذهن نیست بلکه به صورت واقعیتی در خارج از ذهن انسان وجود دارد.

+++++ یادداشت +++++

1- Pierre George